درس هايى از عاشورا

جعفر فكرى

حادثه تلخ عاشورا كه رويارويى جبهه حق و باطل و درگيرى خونين ميان سپاه ايمان و سپاه كفر پنهان و نفاق بود, گرچه در ظاهر به شهادت ياران حق انجاميد, لكن از نظر آموزندگى و عبرت گيرى, درس هاى نهفته و افتخارآفرين بسيارى دارد, چرا كه قافله سالار شهيدان اين حركت و نهضت بزرگ را با برنامه ريزى دقيق و اجراى آن براساس معيارهاى اصيل اسلام ناب محمدى(ص) به صورت دانشگاهى درآورد كه ابعاد گوناگون دين مبين اسلام در آن تجلى يافته و براى مسلمانان و همه آزادگان و آزادى خواهان جهان الگوى انسان بودن, انسان زيستن, انسان مردن و به سعادت جاودانه رسيدن را ارائه داد.

مى توان گفت عاشورا تبيين عملى اسلام در عرصه هاى گوناگون بود. امام حسين(ع) و يارانش در ميدان كوچكى كه به گستره تاريخ بود, صحنه هايى از بزرگى و بزرگوارى و جلوه هاى ايمان و يقين را به نمايش گذاشتند كه هر انسان عاقلى را به كرنش وامى دارد. او در سخت ترين شراي ط نقش امامت را كه تبيين مكتب و ترويج تعاليم دين و تصحيح باورهاى مردم و هدايت جامعه است, به بهترين صورت ايفا كرد و به گونه مستقيم و غير مستقيم به پيروان اسلام درس دين شناسى و دين دارى داد. عاشورا مكتبى است كه درس هاى اعتقادى و عملى و اخلاقى را به بهترين ص ورت ارائه مى دهد.

درس خداشناسى در مكتب عاشورا

مكتب عاشورا در بعد توحيد و يگانه پرستى, درس پرستش واقعى را متجلى ساخت و نشان داد كه يك موحّد و خداشناس راستين بايد در خوشى و ناخوشى, در بلا و نعمت, به خدا رو كند و تمام حركات و سكناتش را در جهت او تنظيم كند. چنان كه خداوند به پيامبرش(ص) فرمود: (قل انّ صلوتى و نُسُكى و محياى و مماتى للّه ربّ العالمين;1 بگو نماز و تمام عبادات من و زندگى و مرگ من, همه براى آن است پروردگار جهانيان است.)

سخن و عمل امام حسين(ع) گواه است كه او در اين ميدان چنان پيش تاخت كه به هيچ چيز جز جلب رضايت حضرت حق نمى انديشيد و حاضر شد همه چيز را در راه خدا فنا كند و از هستى و حيات دنيوى خويش بگذرد و با جان خويش با خدا معامله كند و مصداق بارزى شود براى آيه شريفه (وَ مِنَ الناس مَنْ يَشرى نَفْسَهُ ابتغاءَ مَرضاتِ اللّه واللّه رؤف بالعباد;2 و از ميان مردم كسى است كه جان خود را براى طلب خشنودى خدا مى فروشد و خدا بر اين بندگان مهربان است.)

امام حسين(ع) با اين كه از شهادت خويش خبر داشت و از جد و پدرش اخبار آن را دريافته بود و اوضاع و شرايط زمانش نيز گواهى مى داد كه پايان اين حركت, شهادت است, بدون هيچ ترديد و تزلزلى اهداف خويش را دنبال كرد. وقتى عبداللّه بن عباس از وى خواست از رفتن به عراق ص رف نظر كند و با بنى اميه مقابله نكند, امام اهداف عالى خويش را شرح داد و نيّات امويان را بازگفت. آن گاه فرمود: (انى ماض فى امر رسول اللّه(ص) حيث أمَرنى و انّا اليه راجعون;3 من به فرمان پيامبر(ص) حركت مى كنم آن گونه كه به من فرمان داده است و بازگشت ما به س وى خدا است.)

در طول مسير حركت و در سرزمين كربلا كه براى آماده ساختن بيش تر ياران براى فداكارى در راه دين سخن مى گفت, همواره از مرگ و بازگشت انسان به خدا ياد مى كرد و تنها تكيه گاه خويش را خدا مى دانست و بس. آن گاه كه با حر بن يزيد رياحى روبرو شد, در نامه اى خطاب به ا شراف كوفه, از پيمان شكنى كوفيان گلايه كرد و عاقبت زشت كار آنان را بيان كرد و در پايان نامه اش چنين نوشت: (وسيغنى اللّه عنكم; خدا مرا از شما بى نياز مى كند.)4

و زمانى كه عبداللّه مشرقى با امام ديدار كرد و از اوضاع كوفه و آمادگى مردم براى جنگ با حضرت خبر داد, حضرت فرمود: (حسبى اللّه ونعم الوكيل).5

در شب عاشورا نيز وقتى مسئله جنگ قطعى شد و امام حسين(ع) شب را امان خواست, يارانش را در خيمه اى جمع كرد و خطبه اى خواند كه آغازش چنين است: (أثنى على اللّه احسن الثناء واحمده على السّراء والضراء…)6

در صبح عاشورا نيز هنگامى كه سپاه عمرسعد به اردوگاه امام حمله ور شد, امام رو به سوى خدا كرده چنين مناجات كرد: (اللهم أنت ثقتى فى كل حرب, و أنت رجائى فى كل شدّة, و أنت لى فى كل أمرٍ نزل بى ثقة و عدة;7 خدايا در هر گرفتارى و شدت, تكيه گاه و اميدم تويى, و در هر حادثه اى پشتوانه مني…)

مرگ و معاد از ديدگاه امام حسين(ع)

سخن از معاد و روز قيامت در كلمات امام حسين(ع) فراوان است, چه او پيروزى را از كسى مى دانست كه در امر آخرت پيروز و سعادت مند شود. چنان كه در شب عاشورا خطاب به يارانش فرمود: (واعلموا أنّ الدنيا حلوها و مرّها حلم, والانتباه فى الآخرة والفائز من فاز في ها والشقى من شقى فيها;8 بدانيد كه شيرينى و تلخى دنيا, خواب است و بيدارى در آخرت است. رستگار كسى است كه به رستگارى در آخرت نايل گردد و بدبخت كسى است كه به شقاوت اخروى گرفتار آيد.) امام(ع) نه تنها با بيان بلكه با عمل نيز اين سخنان را تقويت كرد; هنگامى كه ب ه بالين پسرش رسيد, به او فرمود: (پسرم كمى درنگ و مقاومت كن تا جدت رسول خدا را ديدار كنى و از شربت گوارايى كه پس از آشاميدن آن, تشنگى نيست, به تو بنوشاند.)9

در واپسين لحظات قتال كه بر اثر شدت جراحات وارده از شمشيرها و تيرها و نيزه هاى دشمنان, بى رمق در قتل گاه افتاده بود, مناجات عرفانى خود را اين چنين سرداد: (اللهم متعالى المكان…; اى خدايى كه مقامت بس بلند, غضبت شديد, نيرويت بالاتر از هر نيرو است, تو كه از م خلوقات خود مستغنى هستى و در كبريا و عظمت فراگير, به آن چه بخواهى توانا, رحمتت به بندگانت نزديك, وعده ات صادق, نعمتت شامل, امتحانت زيبا, به بندگانت كه تو را بخوانند نزديك و بر آن چه آفريده اى احاطه دارى, و هركس كه از در توبه درآيد پذيرايى, آن چه را كه ارا ده كنى توانايى, … و در پايان, مناجات خود را با اين جملات ختم مى كند: (صبراً على قضائك يا رب لا اله سواك يا غياث المستغيثين…; در مقابل قضا و قدر تو شكيبا هستم اى پروردگارى كه به جز تو خدايى نيست, اى فريادرس دادخواهان كه مرا جز تو پروردگار و معبودى نيست, بر حكم و تقدير تو صابرم. اى فرياد رس آن كه فريادرسى ندارد, اى هميشه زنده اى كه پايان ندارد, اى زنده كننده مردگان, اى خدايى كه هركسى را با اعمالش مى سنجى, در ميان من و اين مردم حكم كن كه تو بهترين حكم كنندگانى. و آن گاه كه صورت به خاك مى گذاشت, گفت: (بسم اللّه و باللّه و فى سبيل اللّه وعلى ملّة رسول اللّه).10

آرى, او با تمام شهامت و رشادت در برابر ظلم و ستم ايستاد و سرانجام به لقاى معبود شتافت و حياتى جاودانه به درازاى ابديت يافت و الگويى شد براى همه انسان هاى واقعى كه مى خواهند پاك زندگى كنند و به شرف انسانى برسند.

درس هاى اخلاقى در حادثه عاشورا

اخلاق كه يكى از ابعاد سه گانه معارف دينى است (اعتقادات, احكام و اخلاق) و از اهداف بزرگ رسالت است,11 در مكتب عاشورا كاملاً متجلى است و درس هاى عملى آن به وسيله امام حسين(ع) و يارانش با رنگ جاودانه در صفحات تاريخ پرافتخار دين باورى ثبت شد. گفتار و ر فتار امام حسين(ع) و يارانش در بعد اخلاق چنان درخشندگى دارد كه مى تواند به عنوان منبع بسيار ارزش مند براى آموزش كرامت هاى اخلاقى و الگوگيرى در زمينه خودسازى و تربيت انسانى مورد استفاده قرار گيرد. استادان اين دانشگاه انسان سازى, در سخت ترين شرايط پاى بندى خود را به مبانى اخلاقى نشان داده و لزوم آراسته شدن به صفات والا و ارزش هاى دينى را اثبات كردند.

در مكتب عاشورا جلوه هايى از اخلاق و نمودهاى عملى آن همانند ايمان, يقين, اخلاص, توكل, آزادگى, عزت نفس, شجاعت, ايثار, وفا, غيرت دينى, جوانمردى, مواسات, رضا و تسليم, قيام براى خدا, عدالت خواهى, باطل ستيزى, جهاد در راه خدا و ده ها فضيلت ديگر را در بالاترين س طح آن مى توان تماشا كرد و از همين رو موضوع پژوهش اين شماره مجله را براى مقطع راهنمايى و دبيرستان (درس هايى از عاشورا) قرار داديم تا پژوهش گران جوان با نوشتن مقالات سودمند خود گامى ديگر در بهتر شناختن و شناساندن بيشتر فرهنگ عاشورا بردارند.

 محورهاى بحث

1. درس هاى عقيدتى (توحيد, عدل, نبوت, امامت و معاد) در سخن و عمل امام حسين(ع) و يارانش.

2. درس هاى اخلاقى در مكتب عاشورا.

3. درس احياى سنت و امر به معروف و نهى از منكر در عاشورا.

4. درس عدالت خواهى و ظلم ستيزى در عاشورا.

5. درس غيرت و آزادگى.

گفتنى است كه هريك از محورهاى فوق خود مى تواند به بخش هاى جزئى تر تقسيم و موضوع مقاله واقع شود.

 منابع تحقيق

1. حماسه حسينى, استاد شهيد مطهرى.

2. موسوعة كلمات الامام الحسين(ع).

3. پيام هاى عاشورا, جواد محدثى.

4. عبرت هاى عاشورا, سيد احمد خاتمى.

5. درسى كه حسين(ع) به انسان ها آموخت, دكتر هاشمى نژاد.

6. زندگانى امام حسين(ع) دكتر سيد جعفر شهيدى.

7. زندگانى امام(ع), سيّد هاشم رسولى محلاتى.

8. پرتوى از عظمت امام حسين(ع), آيت اللّه صافى گلپايگانى.

9. پيام هاى عاشورا, محمد دشتى.

10. سخنان حسين بن على(ع), محمدصادق نجمى.

پى نوشت ها:

1ـ انعام(6) آيه 162.

2ـ بقره(2) آيه 207.

3ـ موسوعة كلمات الامام الحسين(ع), ص321.

4ـ همان, ص377.

5 ـ همان, ص378.

6 ـ همان, ص395.

7ـ همان, ص414.

8 ـ همان, ص398.

9ـ همان, ص461.

10ـ همان, ص509 و سخنان حسين بن على(ع), محمدصادق نجمى, ص299.

11ـ اشاره به حديث معروف (بعثت لاتمم مكارم الاخلاق).